



## شیوه هلندی

### در قرن هفدهم

یکی از سبکهای که در نقاشی هلندی رواج فراوان یافت شیوه ایست که به آن «نقاشی نوع» *Peinture de genre* میگویند. تعریف این شیوه بصراحت و دقت کمی دشوار است.

خلاصه بحث آنست که نقاشی در این شیوه نه موضوعهای مذهبی را اساس قرار میداد، نه منظره طبیعت را، نه داستانهای تاریخی را، بلکه میخواست صحنه ای از زندگی روزانه یکی از افراد عادی جامعه را که از طبقه عامه باشد تصویر کند. انتخاب چنین موضوعی برای برده نقاشی مجال جولانی بقوه خیال نمیداد. بنابراین همه مهارت و هنرنقاش از یک طرف بمشاهده اشخاص و اشیاء واقعی و از طرف دیگر بنمایش آنچه در عالم خارج دیده است صرف میشد.

«نقاشی نوعی» بمعنی خاص مجدد اعلیٰ

واقع بینانه است: باین معنی که تمام عوامل نعایش و تاریخی و انتقادی و اندرزی و عاطفی و مذهبی بکلی از آن منتزع مرشود و خلاصه چیزی که جنبه درونی و ذهنی داشته باشد در آن نیست. از روی همین تعریف میتوان دریافت که تعیین حدفاصل میان این سبک و سبکهای دیگر نقاشی بسیار دشوار است زیرا که هر موزه نقاشی اگر چه موضوع آن جنبه تاریخی یا مذهبی یا تقابلی طبیعت داشته

دود دردم میکند - کار «بروور» ←





سماع با امیران - کار «بروور»

باشد ممکن است در عین حال کاملاً با اندازه شایان توجهی جنبه «قاشی نوعی» پیدا کند از جانب دیگر بسیاری از پرده‌های نقاشان مشهوری مانند استین **Steen** و دومیه **Daumier** و هوکارت **Hogarth** اگرچه بظاهر در این شیوه ساخته شده، بسبب آنکه جنبه عروت یا انتقاد و استهزاء در آنها هست از قبیل قاشی نوعی شعرده نمرشود. آثار نقاشانی مانند فراگونار **Fragonard** نیز که جنبه احساساتی دارند از این شیوه متمایز است. نقاشیهای دیواری پمپئی بخوبی نشان میدهد که در عهد باستان نیز شیوه «قاشی نوعی» معمول بوده است. در اوایل قرون وسطی این شیوه متروک ماند و سپس در اواخر آن عهد چون استادان فن تذهیب باین شیوه تمایلی نشان دادند چون کورشان بیشتر جنبه کنایه و تمثیل داشت در آن توفیقی نیافتند.

در دورهٔ رنسانس این شیوه رونق یافت، اما البته نمیتوان قاشی نوعی را معرف شیوهٔ رنسانس شمرد، زیرا که ابتدا این سبک در شمال اروپا متداول شد و سپس از آنجا به ایتالیا و نقاط دیگر سرایت کرد. در هر حال نخستین بار این شیوه در آثار پطرس کریستوس **Petrus Christus** جلوه گری کرد. کریستوس که در قرن پانزدهم میریست قاشی از اهالی فلاندر بود که بر طبق رسم زمانه به نقش پرده‌های مذهبی می پرداخت اما در آثار خود اغلب مجالس عادی زندگی روزانهٔ شهر و ولایت خود را سرمشق قرار میدادند اما هنوز این شیوه کامل نبود و جنبه‌های دیگر بر آن غلبه داشت.

کمال این شیوه در آثار پتر بروکل **Peter Bruegel** ظاهر شد که پرده‌های متعددی از مجالس زندگی دهقانی بوجود آورده است. رامبرانت نیز در بسیاری از نقاشیهای دیواری از این شیوه پیروی میکند.

یکی از استادان معروفی که باین شیوه اختصاص یافته است ادوین ون استاد **A. Van Ostade** نقاش و حکاک هلندی است. این نقاش در ۱۶۱۰ در شهر هارلم متولد شد چندی شاگرد فرانس هالس و سپس همکار و رفیق بروور **Brauer** بود. در پرده‌های متعددی که پس از سال ۱۶۴۰ کشیده است تأثیر آثار بروور در کارهای او دیده میشود، اما سایه روشن در پرده‌های ون استاد نیروی کامل او را از رامبرانت نشان میدهد.

پرده‌های قاشی نوعی او اغلب بقطع و اندازه‌های کوچک است. هنراو در طراحی و رنگ آمیزی چه در این شیوه و چه در مجالس مذهبی بسیار برجسته است. اگرچه بعضی پرده‌های او از اندک ظرافت و مزاحی خالی نیست اما در قوت مشاهده و توجه بجزئیات

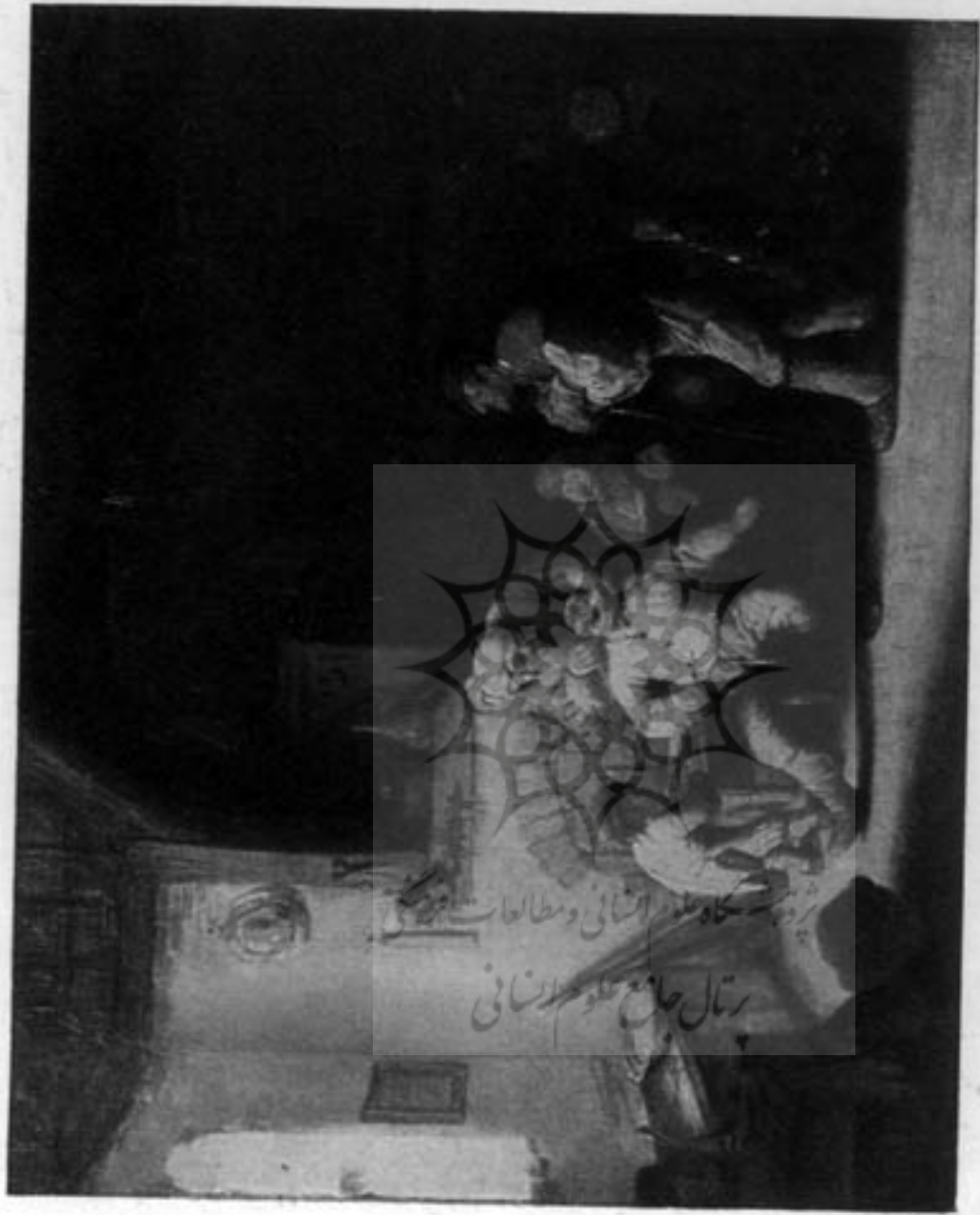
زندگی واقعی کمتر نقاشی بر او تفوق یافته است. از جمله معروفترین پرده‌های او «مطربان» و «ولگردان» را بلام باید برد که سبب شهرت او در این شیوه شده است. الی فور Elie Faure مورخ معروف هنر درباره‌ی او استاد چنین می‌نویسد:



«مراضی خیالی کلام» ژان استین»

«ون استاد در دهکده‌ها پوسه‌زده، و در هر خانه‌ای سر کرده است. می‌توان او را مرد فضول دانست. در کنج می‌کند می‌نشیند، در مطنخ سر می‌کند، به خم‌خانه می‌رود، حیاط طویل را افتیش می‌کند پنجره‌ای را می‌کشد تا از وضع مکتب بچه‌ها سردر بیاورد. هر وقت مطرب دوره کردی دختران و پسران دوازده‌ساله‌های میدان برقص درمی‌آورد و استاد از در بیرون می‌جهد و خود را در صف اول تماشاگران جامی‌کند هر بار که دندان‌ساز یا دلاک عمل می‌کنند او آنجا حاضر است. همه‌اشیاء بیجان از چلیک کهنه و بشقاب و بطری و ریخت و پاش کار گاهها و آشپزخانه‌ها و دکانه‌ها و آهن‌گریها از دوستان او هستند و یک شعاع آفتاب یا یک شراره اجاقی که مرغها را روی آنها کباب می‌کنند یا یک برق کماجدان مسی، یا سرخی آهن کداخته‌ای روی سندان همه‌اشیاء آشنایان می‌دهد تا در تکایه و غوغا یا سکوت زندگی آن دم شمرکت کنند همه چیز زنده است و هر چیزی با اندازه چیزهای دیگر حق حیات دارد. همه باده‌نوشی می‌کنند، می‌خورند، می‌خوانند، می‌خندند، عاشق می‌شوند و یکدیگر را با آرامش و ممانت دل‌داری می‌دهند.»

پژوهنده



چاپ اطریش

دندانساز  
کار «آدرین ون استاد»  
شیوه هلندی قرن هفدهم